

# جلسات شرح و تفسیر



حجت الاسلام و المسلمین استاد  
محمد جواد حاج علی اکبری



موضوع:

دعای چهل و دوم (ختم قرآن)  
جلسه ۴۲

۱۳۹۷/۰۱/۲۷



- اهمیت فوق‌العاده‌ی قیامت در قرآن
- ایمان، شرط هدایت‌پذیری از قرآن
- قیامت را در همین دنیا می‌توان دید
- اعجاز قرآن در برداشتن فاصله‌های زمانی و مکانی
- تأثیر معاد در تربیت انسان
- قرآن، یگانه وسیله‌ی نجات و راه ارتباط با اولیای الهی
- قرآن، رفیق خود را رها نمی‌کند

حضرت درخواست‌های خود را با تعبیر تکان‌دهنده‌ای بیان می‌کنند. درخواست رحم، ثبات قدم، نورانیت و نجات، در یک جمله کنار هم مطرح شده است.

ابتدا مطلبی کلی در این باره مطرح می‌کنم، سپس این جملات نورانی را ترجمه و مرور کنیم.

## اهمیت فوق‌العاده‌ی قیامت در قرآن

قیامت به عنوان جلوه‌ی پایانی معاد که از مرگ آغاز می‌شود و منزل به منزل تا نهایت آن می‌رود، در قرآن کریم بسیار مورد توجه است. فصل مربوط به معاد، جزء فصول بسیار محکم، گسترده، تکان‌دهنده، بیدارکننده، خوف‌انگیز، دهشت‌افزا و در عین حال پریشانت‌ترین و پربهجت‌ترین بخش‌های قرآن است. می‌شود گفت هم از نظر انذار و هم از نظر بشارت، اصل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
ردالمده

«وَ أَرْحَمَ بِالْقُرْآنِ فِي مَوْفِ الْعَرْضِ عَلَيْكَ ذَلِّ مَقَامِنَا، وَ تَبَّتْ بِهِ عِنْدَ اضْطِرَابِ جَسْرِ جَهَنَّمَ يَوْمَ الْمَجَازِ عَلَيْهَا زَلَلْ أَقْدَامَنَا، وَ نَوَّرَ بِهِ قَبْلَ الْبُعْثِ سُدْفَ قُبُورِنَا، وَ نَجَّنَا بِهِ مِنْ كُلِّ كَرْبٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ شَدَّائِدِ أَهْوَالِ يَوْمِ الطَّامَةِ».

به توفیق الهی در گزارش مضامین چهل و دومین دعای صحیفه‌ی سجادیه، به بخش‌های پایانی این دعای نورانی رسیدیم.

در این فراز که بحث این جلسه‌ی ما است، امام (علیه السلام) با شفاعت و وساطت قرآن کریم و به هدایت و برکت و معنویت و روحانیت و نورانیت آن، از خدای تبارک و تعالی برای قیامت و قبل از قیامت درخواست‌هایی دارند.

مسئله مربوط به قیامت است. خدای تعالی عالی‌ترین سطح بلاغت را برای ارائه‌ی آیات قیامت به کار گرفته و از نظر هنری، ارائه‌ها در عالی‌ترین سطح و در عین حال بسیار کوبنده، کوتاه، پی‌درپی، مفصل، رنگین، روشن و پرجاذبه است؛ به طوری که انسان را مات و مبهوت می‌کند. در آیات الهی از نظر ترسیم و تصویرگری قیامت، حجت بر بندگان تمام شده و آنچه در حوزه‌ی بحث‌های قیامتی در قرآن مطرح شده، حقیقتاً در قله‌ی اعجاز است.

از این حجم کمی و آن شگفتی در پردازش که هر دو در اوج است و آیات از نظر کمیت و کیفیت فوق‌العادگی دارد، متوجه می‌شویم که خیرهای فراوانی در راه است. خدای متعال می‌خواسته نبأ عظیم و واقع‌هی حتمی را که در پیش داریم و به سرعت به آن

نزدیک می‌شویم، در عالی‌ترین سطح تصویر و در پراهمیت‌ترین وضعیت پیش چشم ما بگذارد و حجت را بر ما تمام کند. این آیات با بیان لطیف و جذاب و محکم توسط صادق مصلّد در اختیار من و شما قرار گرفته است. گاهی یک سوره از سوره قیامتی برای یک عمر سیر و سلوک کفایت می‌کند. شخصی از حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) درخواست کرد قرآن به او بیاموزد. حضرت نیز سوره‌ی مبارکه‌ی زلزال را برایش خواند. آن شخص گفت: بس است، و رفت. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در مورد او فرمود: «رَجَعَ فَقِيهًا»؛ [۱] یعنی به قله‌ی فهم که از آن به فقه تعبیر می‌شود، دست یافت.

## ایمان، شرط هدایت‌پذیری از قرآن

با سخن خداوند مانند سخنان عادی مواجه نشوید، یک سوره‌ی کوچک برای هدایت شما کفایت می‌کند. سوره‌ی مبارکه‌ی زلزال جزء سوره‌های کوچک قرآن است، اما از نظر حجم مطالبی که منتقل می‌کند، ربع یا یک‌چهارم قرآن محسوب می‌شود. [۳] اگر کسی با کلام خدا به عنوان کلام خدا روبه‌رو شود، یک سوره‌ی آن برای بیدار شدن و رسیدن او به مقصد کفایت می‌کند.

### قیامت را در همین دنیا می‌توان دید

سور و آیات قیامتی قرآن در کشف حجب سهم بزرگی دارد و همه‌ی پرده‌ها را کنار می‌زند؛ مخصوصاً تلاوت شبانگهی آیات قیامت، به‌ویژه چنانچه در سحر و نماز باشد. خود قرآن می‌گوید: «رَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِیلاً» و «قَمَّ اللَّیْلِ الْاَقْلِیلاً»؛ در دل شب برخیز و از ظرفیت شب برای تلاوت

مشکل ما، عدم ایمان است. هنوز باور نکرده‌ایم. اگر کسی باور کرد، یک سوره برایش کافی است. قرآن سخن عادی نیست و ناشی از مقام ربوبیت خدای متعال است. هم مسیر امن است و هم واسطه‌ی در نزول امین است و هم کسی که دریافت کرد امین‌الله است. مطلب را هم تیسیر کرده است: «یَسْرَنَاهُ بِلِسَانِكَ» [۲] بر زبان تو آسان ساختیم». خداوند قرآن را آسان کرده و به‌زیبایی در اختیار ما قرار داده است.

قرآن قول شخص کریم است که بر شخص کریم و به وسیله‌ی پیک کریم و با وصف کرامت نازل شد تا کریمه‌ی شما (فطرت و قلب) را پرورش دهد و به آنجایی که لازم است، برساند. اگر دل دهید و ایمان بیاورید و

چنین انسانی می‌داند که سخنش، قدمش، قلمش و استماعش، روی میزان الهی می‌رود و برای او سنجیده می‌شود. او قبل از قیامت، همه‌ی رفتارهای خود را در توسعه یا ضیق برزخ مشاهده می‌کند. اینکه امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: «إِنَّمَا الدُّنْيَا فِی الْآخِرَةِ» به همین اشاره دارد. شما از همین جا به ابدیت و شرایط خود در برزخ متصل هستید.

### اعجاز قرآن در برداشتن فاصله‌های زمانی و مکانی

هنر و اعجاز قرآن کریم این است که فاصله‌های زمان و مانع مکان را برمی‌دارد و حقیقت را برای شما آشکار می‌سازد و به شما نشان می‌دهد. قرآن کریم تمام دلالت‌های ظاهری را به نفع آن حقیقت باطنی مصادره می‌کند. اگر جناب‌عالی قرآنی شوید، شکفتن یک گل در بهار و زنده شدن یک درخت

قرآن به شیوه‌ی ترتیل استفاده کن. آیات قیامت را در دستور تلاوت خود قرار ده و بخوان و مکرر تکرار کن و تفکر و تفقه کن تا پرده‌ها از مقابل دیدگان دل تو کنار رود و بینی چه خبر است. در این حالت خدای متعال قیامت را در وجود تو بر پا می‌کند. شما اگر خواستید برزخ را مشاهده کنید، در برزخ خودتان می‌توانید آن را مشاهده کنید. برزخ شما همینجا و همین الان است. قیامت شما هم‌اکنون برایتان مهیا است. اگر شما وارد برزخ خود شوید، می‌توانید قبر و برزخ خویش را مشاهده کنید. چنانچه جلوتر روید، در قیامت برپاشده‌ی این جهانی خودتان می‌تواند قیامت آن جهانی خود را مشاهده کنید. اگر کسی به مقام شهود رسید و اینجا برزخ خود را دید، قبرش برای او قدر خواهد بود و از این منزل وارد آن منزل می‌شود و همین‌جا حساب و کتاب و صراط او برپا می‌شود.

در بهار، شما را تا منزل قیامت پیش می‌برد و رهبری می‌کند. مشکل ما این است که ارتباط برقرار نکرده‌ایم و خود را به امین که امانت‌دار غیب و شهود و مُلک و ملکوت است، نسپردیم.

کریم این است که قیامت را به طور خاص و معاد را به طور عام، به قدری برای شما واضح و آشکار می‌سازد که امروز، می‌توانید قیامت را به منزله‌ی فردا پیش روی خود داشته باشید.

### تأثیر معاد در تربیت انسان

اگر کسی به این نقطه رسید حواسش جمع می‌شود. بین برای فردا که روز عرضه‌ی وجود تو به ساحت قدس ربوبی و یوم العرض الاکبر است، چه می‌فرستی؟! آنجا خبیر مطلق به تو خبر خواهد داد. فرمود من خودم به تو خبر می‌دهم و آنچه انجام دادی به تو برمی‌گردد. اگر کسی به چنین فهمی از قیامت برسد، همه‌ی کارهایش طبق حساب و کتاب خواهد بود و تقوا هم حرکت روی همین مدار و صراط است. او منتظر نمی‌ماند تا در قیامت صراط ببیند؛ بلکه صراط را همین‌جا می‌بیند. او

قرآن کریم تمام موانع و فاصله‌ها را حذف می‌کند تا بتوانیم در آینده‌ی یک آیه‌ی آن، کل جریان قیامت را به تماشا بنشینیم. آیه‌ی کریمه‌ی «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ لَتَنْظُرَ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ» [۴] ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خداوند پروا کنید و هر کس به آنچه برای فردای [قیامت] خود فرستاده است، بنگرد،» به همین اشاره دارد و بیان می‌دارد اگر دست خود را به دست من دهید، شما را به نقطه‌ای می‌رسانم که قیامت در نسبت با امروز شما، فردای شما باشد. فردا، فردا است و امروز، امروز است؛ ولی هنر قرآن



اینجا مشاهده می‌کند که این مسیر، جسر جهنم است که از مو باریک‌تر و از شمشیر تیزتر است. این پل خیلی مضطرب و مرتعش است. به ریسمان‌هایی می‌ماند که روی یک دره‌ی بزرگ می‌کشند و بندبازها از روی آن عبور می‌کنند. اگر یک قدم این طرف‌تر یا آن طرف‌تر بگذارد، می‌افتد. در این حالت آیا به‌آسانی سخن می‌گوید؟! آیا به‌آسانی قضاوت می‌کند؟! او می‌داند که اگر بر مدار حق سخن بگوید و قضاوت کند، از آن پل عبور می‌کند.

لذا امام (علیه السلام) در مناجات عرفه التماس و تمنا و خواهش می‌کند و می‌گوید: «خُذْ بِيَدِي»؛ دست مرا بگیر و رها نکن. اگر اینجا دستت به دست حق - که دست ولی حق و قرآن است - داده شد، در آن دردسرها نمی‌افتی. «واعْتَصِمُوا» یعنی این را بگیر. اکنون دست ولی خدا (عجل الله تعالی فرجه الشریف) حقیقتاً به سوی شما گشوده است و شما باید دست او را بگیرید. او کریمانه دست خود را بالای سر شما می‌آورد و اگر دست او را گرفتید، اهل نجات هستید.

لرزش قیامت یک لرزش معمولی نیست و اگر کسی از این پل افتاد، کارش تمام است؛ مگر آنکه دست حق او را بگیرد. اگر اینجا خودت را به دست نفس و شیطان و طاغوت دادی، نمی‌توانند آنجا تو را نگه دارند و چنانچه خود را اینجا به دست حضرت حق دادی، آنجا تو را حفظ می‌کند.

این تعبیر قرآن خیلی تکان‌دهنده است: «إِنَّهُ لَقَوْلُ فَضْلٍ وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ»؛ [۵] درحقیقت قرآن گفتاری قاطع و روشن‌گر است، و آن شوخی نیست». مگر خداوند با ما شوخی دارد و مگر آفرینش ما و جهان و گردش روز و شب شوخی است؟! اگر یک سخن جدی را شوخی بگیرید،

قیامتی قرآن کریم را جدی بگیریم و سراغ آن برویم. میزان و حساب و سؤال، حق است؛ همان‌طور که مردن جلوی چشم من و شما اتفاق می‌افتد و دیر یا زود برای ما هم اتفاق می‌افتد و حق است. در زیارت آل یاسین می‌گوییم: «أَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ، وَأَنَّ نَاكِرًا وَ نَكِيرًا حَقٌّ، وَأَشْهَدُ أَنَّ الشَّرَّ حَقٌّ، وَالْبَعْثَ حَقٌّ، وَأَنَّ الصِّرَاطَ حَقٌّ، وَالْمِرْصَادَ حَقٌّ، وَالْمِيزَانَ حَقٌّ؛ مرگ حق است و فرشته نکیر و منکر حق است و روز قیامت روز نشر و برانگیختن مردگان حق است و روز حساب حق است و صراط و میزان حق است». اینها حق است و انسان باید دنبال حق باشد.

### قرآن، یگانه وسیله‌ی نجات و راه ارتباط با اولیای الهی

به من و شما گفته‌اند امروز، فردا را داشته باشیم و این فقط با قرآن ممکن است. اگر با حقیقت

باخته‌اید. اینکه الان چشم‌های شما می‌بیند یا اینکه سخن می‌گویید، شوخی است؟! همان‌طور که سخن گفتن یک واقعیت است، قیامت هم یک واقعیت است که شما را احاطه کرده است. شما باید از پرده‌ی گمان بیرون آید تا واقعیت را مشاهده کنید. اگر به سوی منزل ایمان قدم بردارید، حق خودش را به شما نشان می‌دهد.

اگر در دنیا دنبال این معارف باشیم، به مقصد رسیده‌ایم؛ وگرنه دنیا لهو و لعب و زینت و تفاخر و تکاثر است. اگر کسی دنبال دنیا باشد، به این چیزها می‌رسد. اگر تو دنبال حق تعالی باشی، دنیا دارالمجاز و علائم الطریق و نشانه خواهد شد تا شما را به مقصد برساند.

در باب موضوع قیامت خواستم بار دیگر به خودم و دوستان یادآوری داشته باشم تا فصل

خواهد بود که اسمش تقوا است؛ همان صراط امنی که تا بهشت کشیده شده است. صراط، متن و مقصدش بهشت و محیطش جهنم است. قرآن کریم هم تصریح کرده است امکان ندارد کسی از شما بدون ورود به جهنم به بهشت برسد؛ [۸] چنان‌که امکان ندارد کسی بدون ورود به دنیا به آخرت برسد. این یک امر حتمی و قطعی است. اگر من و شما چشم باز کنیم، می‌بینیم که همین الان وسط جهنم هستیم.

تعبیر قرآن این است: «وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثًا»؛ [۹] و هیچ‌کس از شما نیست مگر [اینکه] در آن وارد می‌گردد. این [امر] همواره بر پروردگارت حکمی قطعی است. آنگاه کسانی را که پرهیزگار بوده‌اند، می‌رهانیم و ستمگران را به‌زانوندرافتاده در [دوزخ] رها می‌کنیم». هر کس

قرآن متحد شویم، پرده‌ها کنار می‌رود و حقیقت لهو و لعب و زینت پیش تو معلوم می‌شود و دنیا دیگر تو را بازی نمی‌دهد. امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند «مَا لَبَسْتُ عَلَى نَفْسِي وَلَا لِبَسَ عَلَيَّ»؛ [۶] نه علی چیزی را برای خودش وسیله‌ی فریب قرار داد و نه کسی می‌تواند علی را فریب دهد. «مَا شَكَّكَتُ فِي الْحَقِّ مُذُ أَرَيْتَهُ»؛ [۷] علی از روزی که حق را دید، در آن هیچ شک نکرد. اگر شما می‌خواهید این مسیر را بروید، باید دست خود را به دست علی (علیه السلام) دهید؛ زیرا دیگران گرفتار صد نوع شک و تزلزل هستند.

راه نزدیکی به ساحت قدس انبیا و ائمه و مهدی موعود (علیهم السلام)، قرآن کریم است. بدون قرآن نمی‌توان به مهدی قرآن رسید. از طریق قرآن که یدالله است، می‌توان به مقام امن رسید. حاصل این یک زندگی باضابطه

روشی است که تقوا نام دارد.

### قرآن، رفیق خود را رها نمی‌کند

«وَ اَرْحَمَ بِالْقُرْآنِ فِی مَوْقِفِ الْعَرْضِ عَلَیْكَ ذُلٌّ مِّمَّا نَا»؛ این درخواست با این فرض است که قرآن شفیع تو شود و وقتی شفیع تو می‌شود که شفیع تو شود و وقتی شفیع تو می‌شود که به تو بچسبد و رفیق تو شود. شما یا تنها هستی که وتر هستی یا رفیق داری که شفیع هستی. شفیع همان دومی است که به تو متصل است. اگر رابطه‌ی تو با قرآن مانند رفیق دوم شد که هر وقت کسی تو را ببیند یاد او می‌افتد، یا او را ببیند یاد تو می‌افتد، قرآن شفیع تو خواهد بود.

آویختن در کلام الهی، یعنی فکر و قلب و عمل تو با قرآن کریم هماهنگ شود. اگر این‌گونه شد، «فانه شافع

سپر و وقایه گرفت و خود را در حصن الهی قرار داد، نجات می‌یابد و هر کس از دایره‌ی تقوا و ایمان خارج شد، ظالم است و یا ظلم به نفس یا ظلم به غیر می‌کند که در هر دو صورت ظلم به حق است. کلمه‌ی «جثیاً» خیلی تکان‌دهنده است و بیانگر حالت ذلت و زانو زدن است.

صراط، جسر جهنم است و از روی جهنم عبور می‌کند؛ اما متن و مقصد آن بهشت است و انسان را به قلب و حتی اوج بهشت می‌برد.

نقشه‌ی زندگی آمیخته با تقوا در قرآن ترسیم شده که تجلی آن ولی خدا و تجسد آن امام متقین است. شرح قرآن در کلمات اولیا آمده است. یک شرح آن صحیفه و شرح دیگرش نهج البلاغه است. شما از این راه‌ها می‌توانید به قرآن برسید و با قرآن به مقصد برسید. حاصل همه‌ی اینها قرار گرفتن در مدار و سبک و

تا پای من آنجا نلرزد. کسانی که به باطن قرآن رسیده‌اند، این‌قدر سریع عبور می‌کنند که این لرزش بر آنها اثری ندارد.

«وَنُورٌ بِهِ قَبْلَ الْبُعْثِ سُدْفَ قُبُورِنَا»؛ تاریکی‌های قبر ما را با نور قرآن روشن کن. سرانجام ما وارد قبر می‌شویم و آنجا به حسب واقع تاریک است، مگر آنکه به نور قرآن منور باشد. اگر نور قرآن در فکر و حقیقت وجود تو باشد، قبرت منور خواهد بود. هرچه اینجا از نور قرآن استضاءه کرده باشید، آنجا به همان مقدار روشن خواهد شد.

«وَنَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ كَرْبٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَشَدَائِدِ أَهْوَالِ يَوْمِ الطَّامَةِ»؛ اینجا هم تقاضای نجات است. اگر اینجا نجات یافتی و خود را بسپری، آنجا تو را نجات خواهد داد. «کرب» به معنای غم و اندوه و «تامه» به معنای غلبه است. قرآن کریم از

مشفّع»؛ او شفیع است که شفاعتش پذیرفته شده است.

حضرت می‌فرماید در زمانی که انسان بر حضرت حق عرضه می‌شود، به برکت قرآن به ما رحم کن. یعنی قرآن به فریاد ما برسد. اگر کسی از وادی معصیت به طاعت آمد، عزیز می‌شود و چنانچه کسی با راهنمایی قرآن از خواری معصیت به عزت طاعت ارتفاع پیدا کرد، این اتفاق برای او می‌افتد و قرآن او را بر عرش عزت می‌نشانند. قرآن، رفیق و شفیع خود را رها نمی‌کند.

«وَتَبَّتْ بِهِ عِنْدَ اضْطِرَابِ جِسْرِ جَهَنَّمَ»؛ اضطراب، لرزش بسیار شدید است. از لرزش طناب‌هایی که حالت کش دارد به اضطراب تعبیر می‌شود. وقتی پل روی جهنم شدیداً می‌لرزد و همه باید از روی آن عبور کنند، مرا محکم نگاه دار

امیدواریم خدای تبارک و تعالی به همه‌ی ما توفیق دهد دل‌ها و افکار و اعمال ما منور به نور قرآن کریم شود و قرآن در دنیا رفیق ما و در آخرت شفیع ما باشد. ان‌شاءالله خدای متعال توفیق بار یافتن به مقام شامخ شفاعت را به همه‌ی ما کرامت کند.



قیامت به «الطامه الكبرى» [۱۰] تعبیر می‌کند؛ یعنی وقتی قیامت آغاز می‌شود، دیگر هیچ جایی برای غیر باقی نمی‌ماند. برخی مفسران خواسته‌اند بگویند تامه‌ی کبری، نفخه‌ی ثانیه است که همه بعد از مرگ دوباره در نفخه‌ی اولی برمی‌خیزند. آنجا است که انسان به خودش می‌آید که چه کرده است و چه در دست دارد. از این وضعیت به احوال تعبیر می‌شود که جمع هول و به معنای ترس است.

سخن پایانی آنکه امیرالمؤمنین (علیه السلام) در نهج البلاغه می‌فرماید اگر این‌گونه بیایید، من به کمک شما می‌آیم و چنانچه کم بیاورید، کمی‌ها را پر می‌کنم. اگر زبان شما آنجا کم بیاورد، زبان امیرالمؤمنین (علیه السلام) در دفاع از شما گشوده می‌شود. این بشارت را خود حضرت به ما داده‌اند.

## منابع و مأخذ

- [۱]. تفسیر نورالثقلین، ذیل سوره‌ی زلزله .
- [۲]. مریم: ۹۷.
- [۳]. طبرسی، مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۷۹۶.
- [۴]. حشر: ۱۸.
- [۵]. طارق: ۱۳-۱۴.
- [۶]. نهج البلاغه، خطبه ۱۰.
- [۷]. همان، خطبه ۴.
- [۸]. مریم: ۷۱.
- [۹]. همان: ۷۱-۷۲.
- [۱۰]. نازعات: ۳۴.



افوغها؛ درنگی بر مسئله تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir © سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

۲ شنبه‌ها

از ساعت ۱۸ الی ۱۹:۳۰

(۶ ماه اول سال)



تهران، خیابان سرچشمه  
مجتمع فرهنگی شهدای هفتم تیر